

متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت استاد عزیز و آرزوی توفیقات روزافزون برای حضرتعالی: هرچند پیش از این هم حداقل در این چند ساله اخیر، حضرتعالی بسیار در باب این امر سخن گفتید و بنده نیز توسط همین پرسش و پاسخ‌ها، عرایضی خدمتتان کرده بودم و بسیار از پاسخ‌های تان استفاده برده بودم، اما حیفم آمد به جهت پرسش ۳۹۲۵۴، باز هم از این مسئله حیاتی امروزمان، سخن نگوئیم. آن پرسش، نمونه‌ای از دغدغه و دلهره‌ای در سطح بسیاری از مردم دلسوز ما، در جریان این حجم سنگین آتش توپخانه خصم دین و ملت علیه اذهان و قلوب آحاد جامعه بود که انصافاً هم انسان ممکن است با دیدن بسیاری از مطالبی که از حنجره‌های مختلفی در فضای حقیقی و مجازی اشاعه داده شود [حتی چه بسا از سوی برخی افراد ظاهرالصلاح] و ایضاً کاستی‌ها و چالش‌هایی که علی‌الارض هم وجود دارند، در خود فرو رود و بگوید «واقعاً گویا شرایط، تیره و تباه است و به بن بست خورده‌ایم!». قصد نوشتن این وجیزه هم این نبود که بنویسم در باب ارمغان‌های مادی و معنوی این مسیر عظیمی که در طی ۴۶ سال گذشته آمده‌ایم [ولو به استناد مراجع و داده‌های مراکز جهانی‌ای که دل‌خوشی هم از ما و انقلاب مان ندارند و عزیزانی هم مثل حجت‌الاسلام راجی در کتبی نظیر دو جلد صعود چهل ساله به آن پرداخته‌اند] و ظرفیت‌های معتنابه کشور و وجود عناصری مانند آیت‌الله رئیسی (ره) که مشی و عزم شان، تبلور بسیج‌گری این ظرفیت‌ها و عبور از چالش‌ها و تنگناهایی بود که از آن به فشار حداکثری تعبیر می‌شد و نه تنها به شکست انجامید بلکه امروز حتی وزیر خارجه آمریکا نیز از پیچیدگی و پویایی مرموز جامعه ایرانی و بی‌ثمری امتداد سیاست دهه‌ها تلاش برای تغییر نظام در ایران می‌گوید: https://eitaa.com/IMANI_mohammad/5576 غرض اصلی اطاله کلام حقیر، این بود که به بهانه آن پرسش، غرری از بیانات بسیار مهم دیده بان حکیم انقلاب در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ را مرور کنیم که متأسفانه غالباً زود از کنار سخنان این عزیز بدون تدبیر لازم، گذر می‌کنیم و حتی گاهی اوقات، بعنوان جملاتی انگیزشی به آنها می‌نگریم:

«من درباره همین افق دید و اینکه حالا چگونه بایستی افق دید را تصحیح کرد، عرض بکنم. از اوایل انقلاب اسلامی، غربی‌ها در تبلیغات‌شان این‌جور وانمود می‌کردند که نظام جمهوری اسلامی بر اثر انقلاب به‌وجود آمده، رو به زوال است؛ از همان روزهای اول [می‌گفتند] رو به زوال است. گاهی می‌گفتند دو ماه دیگر، گاهی می‌گفتند یک سال دیگر، گاهی می‌گفتند پنج سال دیگر؛ زمان معین می‌کردند! یک عده‌ای هم متأسفانه در داخل -حالا یا از روی غفلت، بعضی‌ها هم از روی بدخواهی- همین را ترویج می‌کردند. زمان امام، یک روزنامه‌ای برداشت یک مقاله مفصلی نوشت، به نظرم تیترو

هم زدند -از آن تیتريهای درشت صفحه اولی- که مضمونش این بود، حالا عینش یادم نیست که خلاصه نظام در حال فروپاشی است! امام آن وقت جواب دادند، گفتند: شما خودتان در حال فروپاشی هستید؛ نظام، محکم و مستحکم ایستاده. نه اینکه حالا چون امام بود و هیبت امام مانع می‌شد. نه خیر! زمان امام هم می‌گفتند. بعد از رحلت امام، در سال ۶۹، بعضی از موجهین -آدم‌های موجهی هم بین شان بودند؛ چهره‌های معروف نظام و موجه که سابقه‌ی کاری هم در نظام داشتند- یک اعلامیه‌ای دادند که نظام در لبه پرتگاه است؛ یعنی همین روزها است که خلاصه قضیه تمام بشود! کی؟ سال ۶۹. در سال ۸۲ یک عده از نمایندگان مجلس، نامه نوشتند به بنده؛ یک نامه واقعاً غیر منصفانه‌ای بود، خیلی غیر منصفانه بود. یک چیزهایی را گفتند، یک سؤال‌هایی از ما کردند که جوابش را خودشان باید می‌دادند؛ چون هم مجلس دست خودشان بود، هم دولت دست خودشان بود؛ باید آنها جواب می‌دادند، از من سؤال کرده بودند! آن وقت مضمون آن نامه و خلاصه‌اش این بود که باید تسلیم بشوید و الا کارتان تمام است! مال سال ۸۲ است. تسلیم نشدیم، ایستادیم و ان شاء الله باز هم خواهیم ایستاد. خب، این کار دشمنان ما بود که مکرر این کار را انجام دادند. آنچه به نظر من در این زمینه ما بایستی نگاه کنیم، این است که ببینیم تحلیل مان از اوضاع چیست؛ تحلیل درست کنیم. دو نظام تحلیلی وجود دارد: یک نظام تحلیلی این است که کار در مقابل هنجارهای همه‌گیر جهانی، بی‌فایده است؛ فایده‌ای ندارد. یک هنجارهای بین‌المللی وجود دارد، دولت‌ها بر اساس این هنجارها شکل گرفته‌اند، قدرت گرفته‌اند؛ آمریکای مقتدر و ثروتمند بر اساس این هنجارها [شکل گرفته]، اروپا همین جور، دیگران همین جور؛ در مقابل این هنجارها بی‌خود نایستید! از بین می‌روید. این یک تحلیل [فقط] امروز هم این را نمی‌گویند؛ همین طور که عرض کردم، چهل سال است همین حرفها را مرتب دارند می‌گویند. آن وقت آن کسانی که این تحلیل را می‌کنند، دیگران را متوهم تصور می‌کنند! می‌گویند اینها دچار توهم اند -مثلاً بنده‌ی حقیر؛ در رأس شان خود من-. [می‌گویند] اینها دچار توهم اند خیال می‌کنند دارد کار پیش [می‌رود]. این یک تحلیل. یک تحلیل هم نه؛ تحلیل واقع بینانه است. این تحلیل، واقعیات را می‌بیند؛ نه فقط واقعیات خوب را، واقعیات بد را هم می‌بیند. ما هرگز نقاط منفی را انکار نکرده‌ایم. بنده در ملاقات‌های مسئولان، در این جلساتی که ماه رمضان‌ها هست که همه آنها را [دعوت می‌کنیم]، بیشترین نقاط ضعف را تذکر می‌دهم؛ در جلسات خصوصی خیلی بیشتر. و توجه به این نقاط ضعف وجود دارد، نه اینکه نیست؛ من بارها گفته‌ام ما عقبیم؛ در این شکی نیست، اما آن طرف قضیه این است که ما از انتهای قافله، یک حرکت پرشتابی را شروع کرده‌ایم حالا به نزدیک‌های جلو رسیده‌ایم؛ این یک واقعیت است. هنوز به آن جلو نرسیده‌ایم اما خیلی پیش رفته‌ایم، باز هم پیش خواهیم رفت. ما در مسائل گوناگون کشور پیشرفت کرده‌ایم؛ در دانش پیشرفت کرده‌ایم، در مدیریت‌ها پیشرفت کرده‌ایم. ضعف‌ها هست؛ بعضی از مسئولین ما، بعضی از دولت‌های ما کوتاهی‌هایی داشته‌اند؛ اینها وجود دارد اما حرکت، حرکت انقلاب است؛ پیشرفت انقلاب است. شما نگاه کنید ببینید جمهوری اسلامی چهل سال پیش کجا بود، امروز کجا است؛ بیست سال پیش کجا

بود، امروز کجا است. با گذشت چهار دهه می‌توان فهمید که کدام یک از این دو تحلیل، واقع بینانه است؛ تحلیل غربگراها و غربی‌ها واقع بینانه است و ما متوهم ایم یا نه، تحلیل انقلاب، واقع بینانه است؛ [و] آنها متوهم اند. واقع قضیه، این است. حرکت انقلاب، حرکت محکمی است؛ شما جوان‌ها یکی از بزرگترین نشانه‌هایش هستید. بعد از گذشت چهار دهه و بعد از این همه دشمنی و بعد از این همه تبلیغات؛ دلیل بهتری از این وجود دارد برای اینکه نشان بدهد آن تحلیل، تحلیل غلطی است و تحلیل درست، تحلیل انقلاب است؟»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متذکر سخنان رهبر بصیر و زمان‌شناس انقلاب شده‌اید، آری! دو تحلیل در میان بوده و هست. و همان‌طور که در جواب کاربر محترم سؤال شماره ۳۹۲۶۸ عرض شد بالاخره با انقلاب اسلامی ذیل تاریخی که در مواجهه با جاهلیت مدرن آغاز شده، جریان‌های شیفته غرب این حضور را بر نمی‌تابند. ولی به گفته رهبر معظم انقلاب که شما نیز متذکر شده‌اید «با گذشت چهار دهه می‌توان فهمید که کدام یک از این دو تحلیل، واقع بینانه است». راستی! چرا غرب در نسبت با انقلاب اسلامی، نگران آینده خویش است؟ مگر حضور انقلاب اسلامی چه نوع حضوری است که فرهنگ مدرنیته تحمل حضور آن را ندارد؟ این‌جا است که متوجه می‌شویم به لطف الهی با حضور در انقلاب اسلامی در راهی حاضر شده‌ایم که نظر به آینده‌ای ارزشمند و متعالی دارد که همان صراط مستقیم است. صراطی که هر اندازه بیشتر در آن حاضر شویم و ادامه دهیم، بیشتر به آن آینده متعالی که در منظر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود؛ نزدیک می‌شویم. بر عکس حضور در تاریخی که با فرهنگ مدرنیته پیش آمده که به گفته آقای دکتر رضا داوری اردکانی در کتاب خوب «بلای بی‌تاریخی و جهان بی‌آینده» فرهنگ غرب عین بی‌آیندگی است. موفق باشید